

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بررسی کاربردی برخی از ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب اسلامی ایران

معصومه طاهری^۱

دکتر غلامرضا کافی^۲

چکیده

طنز، نوعی ادبی است که جنبه‌های بد رفتارهای بشری، ضعف‌های اخلاقی و فسادهای اجتماعی و یا اشتباهات انسان را به شیوه‌ای تمسخرآمیز و اغلب غیرمستقیم بازگویی کند و هدف آن اصلاح است. گاهی اغلب جوامع دچار مشکلات و رنج‌های اجتماعی، سیاسی و... شده و یا حاکم و مردم آن جامعه دچار مفاسد اخلاقی می‌شوند؛ در چنین شرایطی طنز با کارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی و... در قالب‌های مختلف از جمله شعر به رسالت خود می‌پردازد و شاعران طنزپرداز آثاری را به‌وجود می‌آورند و این سؤال مطرح می‌شود که آیا با تولید این همه اثر طنز در شعر انقلاب اسلامی که در هیأت طنز سیاسی، اجتماعی و البته طنز زبان‌گرا فرامودند، ساخت‌های بدیع و تازه‌ای در این کارها قابل ردیابی، دسته‌بندی و بازشناخت پدیدآمده است؟ در این پژوهش با تحلیل آثاری برگزیده از شاعران طنزپرداز انقلاب کاربردی برخی از ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب بررسی و مشخص شده است؛ آن هم ساخت‌های خاص که باز کمتر بدان‌ها توجه شده است و در ساحت شعر طنز انقلاب توجه‌انگیزند. ساخت‌هایی چون قالب فراغزل، آشفته، شعر فرانو، کوتاه‌سروده‌ها (ترانک و آنک) گویش‌های محلی، زبان محاوره و ترانه‌گون، طرفه‌کاری، انواع نقیضه‌ها، نظیره، بازی‌های زبانی و....

باید دانست که بررسی کاربردی ساخت‌های نو شعر طنز انقلاب درحقیقت تشریح یکی از عمده‌ترین بسترهای طنز انقلاب محسوب و مشخص می‌شود که طنزپردازان انقلاب بنا به سلیقه جامعه امروزی و تنگی مجال، برای سرودن اشعار طنز خود استفاده کرده‌اند. افزون بر لطف کلام و تأثیر آن،

۱. کارشناس ارشد ادبیات پایداری دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) gol_۱۳۲۷@yahoo.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵-۰۹-۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵-۰۱-۲۸

فاصله گرفتن از برخی شگردهای دست‌فروخته و همگرایی ساخت و معنا از دلایل پدید آمدن برخی از این شگردهاست که به نوعی یافته این مقاله به حساب می‌آید.

واژه‌های کلیدی: طنزپرداز انقلاب، طنز انقلاب، ساخت‌های تازه، کاربست

۱- مقدمه

گاهی اوقات، انسان دچار گرفتگی روح و افسردگی می‌شود که افزایش خنده از جمله راه‌های مقابله با آن است. طنز و مطالب طنزآمیز از عوامل ایجاد خنده است که موجب شادی روح و انبساط خاطر می‌شود. هر چند «مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما این خنده، خنده شوخی و شادمانی نیست. خنده‌ای است تلخ، جدی، دردناک، همراه با سرزنش، سرکوفت و کما بیش زنده و نیشدار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف می‌کند. همچنین اشاره و تنبیه اجتماعی است و هدف آن، اصلاح و تزکیه است.» (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۶)

چنانکه ناصر فیض در بیتی چنین بیان می‌کند:

«لبخند یکی از تبعاتی است که در طنز می‌آید، تا خنده محک داشته باشد»

(فیض، ۱۳۹۲: ب: ۱۶۶)

طنز، نوعی «ادبی است که جنبه‌های بد رفتارهای بشری، ضعف‌های اخلاقی و فسادهای اجتماعی و یا اشتباهات انسان را به شیوه‌ای تمسخرآمیز و اغلب غیرمستقیم بازگویی کند.» (یوسفی، ۱۳۹۰: ۱۲)

اغلب جوامع در طول تاریخ حیات خود با مشکلات، دردها و رنج‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... روبرو می‌شوند؛ همچنین ممکن است به وسیله حاکمانی اداره شوند که فاسد و ظالم باشند. در چنین شرایطی، طنز با کارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... به قلم شاعران و نویسندگانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند به رسالت خود می‌پردازد. «در ادبیات

قدیم فارسی گاهی طنزنویسانی پیدامی شوند که طنز را مهم ترین وسیله احقاق حق قرارداده اند. اما متأسفانه تعداد این گونه نویسندگان که صرفاً طنزنویس باشند، در دوره قبل از مشروطیت کم است.» (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۴۷)

یکی از خاستگاه های اصلی طنز در ادبیات فارسی، دوره مشروطیت است. در این دوره طنزنویسان بزرگی ظهور می کنند و به وسیله طنز، مشکلات جامعه را بزرگ نمایی می کنند؛ کسانی چون دهخدا و سید اشرف الدین. (طاهری، ۱۳۹۳: ۱۴) با شروع دوره پهلوی به دلیل اوج اختناق، طنزپردازی با رکود مواجه می شود؛ به طوری که در این دوره «طنز متحمل بیشترین آسیب می شود و اختناق، زمینه را برای حرکت سالم طنز سیاسی و اجتماعی تنگ و ناممکن می سازد.» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۶) اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ با وجود فضای پرتنش سیاسی و فکری آن زمان، طنزپردازان، بار دیگر، امکان می یابند که پس از چند دهه خفقان، حضور فعال خود را در عرصه طنز تحقق بخشند که این حضور در مطبوعات طنز... نمایان تراست. (همان: ۱۸)

پیروزی انقلاب اسلامی و در ادامه، جنگ تحمیلی هشت ساله و فضاها ی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... که در کشور به وجود آمد، زمینه را برای فعالیت طنزنویسان و طنزپردازان انقلاب، در حوزه های مختلف از جمله شعر فراهم کرد.

۱-۱- بیان مسئله

بی گمان فراوانی تولید آثار ادبی در موضوعی هم سو، باعث شکل گیری برخی شگردهای ادبی در آن حوزه می شود. اینک سوال این است که آیا با تولید این همه اثر طنز در شعر انقلاب اسلامی که در هیأت طنز سیاسی، اجتماعی و البته طنز زبان گرا قابل فرامودند، ساخت های بدیع و تازه ای در این کارها قابل ردیابی، دسته بندی و باز شناخت پدید آمده است؟ روشن است که در هر دوره ای شاعران طنزپرداز از ساخت های مختلفی برای سرودن طنزهای خود بهره برده اند. بررسی و روشن شدن جایگاه استفاده از ساخت های مختلف، نو و بدیع برای سرودن شعر طنز به

وسیله شاعران طنزپرداز انقلاب، از جمله موضوعاتی است که تاکنون کسی به آن نپرداخته است. در پژوهش پیش رو قصد بر این است که با تحلیل آثاری برگزیده از شاعران طنزپرداز انقلاب، کاربست ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب بررسی، مشخص و به دلایل کاربست این گونه شگردها اشاره شود. نیز برای تبیین بهتر حدود و ثغور این مقاله باید گفت: منظور از ادبیات انقلاب، مجموع آثار ادبی است که در پیوند با موضوع انقلاب نوشته شده‌اند و الزاماً بر پایه تأیید دیدگاه سیاسی انقلاب شکل گرفته‌اند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

هر چند تحقیقات مختلفی از جمله کتاب، مقاله و پایان‌نامه در زمینه طنز انجام شده اما تاکنون مقاله‌ای مستقل با موضوع «بررسی کاربست برخی از ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب اسلامی ایران» نوشته نشده و به ثبت نرسیده است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. طرفه کاری و بدعت‌گرایی یکی از ویژگی‌های ادبیات معاصر و نیز شعر انقلاب به حساب می‌آید، اما در طنز این مؤلفه جایگاه خاص‌تری دارد که برخی از این نوآوری‌ها و طرفه‌کاری‌ها در مقاله حاضر تحلیل و بررسی می‌گردد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجا که ادبیات انقلاب، ادبیاتی آگاه و بصیر است و طنز اصالتاً کارکرد آگاهی‌بخشی دارد، پژوهیدن این کارکرد شایسته ادبیات، اهمیت والایی دارد تا معناگرایی، آگاهی‌بخشی، بصیرت و اعتراض به عنوان مؤلفه‌های اصلی و مهم شعر انقلاب و نقش آن‌ها در این ادبیات روشن گردد. همچنین شعر انقلاب، شعری جامعه‌گرا و مردم‌دار است و طنز، وظیفه جامعه‌اندیشی و آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی افراد را دارد؛ بدین سبب، تبیین جایگاه طنز به ویژه ساخت شعر طنز انقلاب، آن هم کاربست برخی از ساخت‌های تازه در حقیقت تشریح یکی از عمده‌ترین بسترهای طنز انقلاب است؛ علاوه بر این، از اهداف پیش روی این پژوهش شناسایی، معرفی، مطرح، بررسی و تحلیل کردن ساخت‌های نویی است که به عنوان شعر طنز

انقلاب، کمتر معرفی و به آنها پرداخته شده است.

۲- بررسی کاربردی برخی از ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب اسلامی ایران

ساخت، همان صورت است و در واقع، ریسمان نامرئی است که عناصر و اجزاء سازنده اثر [شعر طنز] را به هم متصل می‌سازد، یا مثل استخوان بندی بدن است که اندام انسان را می‌سازد. (داد، ۱۳۸۳: ۲۷۴) نیز گفته شده است: «دایره شمول [ساخت] فراتر از شکل و قالب است چون قالب شکل ظاهری اثر می‌باشد. مثلاً «آیرونی» یک ساخت به حساب می‌آید که می‌تواند معانی متعدد را شامل شود و در قالب‌های مختلف نیز ارائه گردد. شاید بتوان ساخت را «نوع» یا «ژانر» تعبیر کرد.» (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۳۸۸) پس منظور از ساخت همان صورت است. با توجه به تعریف طنز انقلاب که:

«نوعی ادبی است که با کاربردی شگردهای مختلف و کارکردهای متفاوت و در عین حال طبیعی ملایم، همچنین متعهد و مسئول نسبت به اهداف انقلاب، سعی می‌کند که بدی‌ها و ناراستی‌های موجود در جامعه را گوشزد کند و مردم و جامعه را به یک بصیرت و تنبه اجتماعی-سیاسی برساند.» (طاهری، ۱۳۹۳: ۳۲۹)

باید گفت اصولاً طنز هویت معنایی دارد و کمتر از منظر ساخت مورد توجه و تحلیل واقع می‌شود. در اینجا طنز از منظر ساخت مورد توجه است؛ آن‌هم، ساخت‌های خاص که باز، کمتر بدان‌ها توجه می‌شود؛ ضمن اینکه عرصه طنز بیشتر ساحت ساخت‌شکنی دارد! روشن است که ساخت‌های معمول در طنز نیز به کار می‌روند، اما توجه‌انگیز نیستند و هیجان مخاطب حساس را در پی ندارند؛ ولی، برخی از ساخت‌های تازه در ساحت شعر طنز انقلاب توجه‌انگیزند و اینک به شایسته‌ترین این ساخت‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱- قالب‌ها

قالب‌ها از جمله ساخت‌های شعر طنز انقلابند که بحث‌برانگیزند. علاوه بر قالب‌های متداولی

که طنزپردازان انقلاب برای بیان مطالب خود از آن‌ها بهره‌برده‌اند، قالب‌هایی هستند که به‌روز و تازه‌نفس‌اند که در سطور پیش‌رو به برخی از این قالب‌ها اشاره و کاربست آن‌ها را با شواهدی از شاعران طنزپرداز انقلاب تبیین و بررسی می‌گردد.

۲-۱-۱-۱-۲- غزل داستان

گاه در آثار طنز انقلاب، غزل پیوسته به صورت غزل حکایت و غزل داستان دیده می‌شود. «در دوره انقلاب اسلامی غزل، سرآمد قالب‌های شعری است و با آنکه در این برهه چند قالب شعری نظیر مثنوی، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده احیا و بازپروری شد، باز این غزل بود که در صدر ایستاد و حالت‌هایی نظیر نظم عمودی و غزل داستان را پذیرفت. منظور از غزل داستان، غزلی است که طرح یا پلات یک داستان را دارد و روایت اثر چنان است که گویی ما حکایتی را به صورت داستان‌واره پی می‌گیریم.» (کافی، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

این گونه شعر در آثار ناصر فیض دیده می‌شود که غزل «برگ مو در کیش» از این نوع است و این از ویژگی‌های غزل دوره انقلاب است.

زن که از مرد خود جلو افتاد ناگهان در جزیره چو افتاد
مرد می‌رفت نان تهیه کند پس به دنبال نان جو افتاد
نان که آورد، زن به مردش گفت: کارهایت کمی جلو افتاد!...

(فیض، ۱۳۹۲ الف: ۳۱)

۲-۱-۱-۲-۲- قالب غزل پست مدرن (فراغزل)

همان‌طور که بیان شد، کافی معتقد است، غزل با سرآمد بودنش در بین قالب‌های شعری در دوره انقلاب اسلامی با پذیرش حالت‌هایی نظیر «نظم عمودی» و «غزل داستان» زمینه پیدایش «فراغزل» را آماده کرد. (کافی، ۱۳۹۳: ۱۳۰) نیز به این گونه شعری «فراغزل» یا غزل متفاوت هم می‌گویند. جریان شعری معناستیز یا پست‌مدرن که در دهه هفتاد در ایران به وسیله شاعرانی

مانند رضا براهنی و شاگردانش مطرح شده است، بیش از آنکه در طول و ادامه تحولات داخلی باشد، از طریق الگوبرداری از اشعار و نظریه‌های ادبی غربی به وجود آمده است. ویژگی عمده شعر پست‌مدرن، نفی روایت‌های کلان، جزئی‌نگری و توجه به پدیده‌های پیرامونی، بازی با زبان در حوزه دستور و واژگان که منجر به پریشان‌گویی می‌شود، قطعه‌قطعه‌نویسی و طرد معنا و آشنایی‌زدایی را می‌توان بیان کرد. (طاهری، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۹)

کافی در مقاله خود با عنوان «موسیقی کناری در فراغزل» ضمن آوردن تعاریف و دیدگاه‌های افراد مختلف درباره انتخاب نامی برای این نوع غزل بیان می‌کند که عنوان «فراغزل» کوتاه‌ترین نام و بدیع‌ترین آن‌هاست و پیشوند «فرا» عدول و تصرف‌های این نوع غزل در غزل سنتی را به خوبی نشان می‌دهد و اینکه این‌گونه از غزل، غالباً در پیوند و بلکه زاده «شعر نو» شناخته شده است و غزل برون‌گرای امروز، بخشی از وجود شعر نواست و غزل پیش‌رو با دایره واژگانی خاص در رهیافت از ژرف‌ساخت به روساخت، ساختاری مشابه شعر سپید دارد. (کافی، ۱۳۹۳: ۱۳۲) نمونه‌هایی از این نوع غزل در اشعار طنز ناصر فیض دیده می‌شود.

کجاست آنکه به من گفت: هی... شما آقا
میان آن همه من‌های مشتبه با ما-
خیال کرد که من هم شباهتی دارم
به آن‌همه من و تو، او و ما، شما، آن‌ها
همان که نام مرا بی‌دهان صدامی کرد
همان گرفته مرا اشتباهی آن شب، با...
(فیض، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۲)

۲-۱-۳- غزل‌واره نو

غزل‌واره، قالبی در شعر است که معمولاً از چهارده سطر به وزن آیمبیک پنج پایه تشکیل می‌شود و موضوع آن، عاشقانه است. به لحاظ طرح‌های متنوع در قافیه شکل‌های متنوعی دارد. (داد، ۱۳۸۳: ۳۵۴) بعضی غزل‌واره را شعری می‌دانند که از جهت صوری (قالب) شبیه غزل باشد؛ ولی برخوردار از محتوا، شیوه و شکل درونی شعر نو. هر اثری که فاقد ویژگی‌های فرمی و بیرونی غزل باشد، ولی شدیداً برخوردار از محتوای غزل، غزل‌واره

نامیده می‌شود. (روزبه، ۱۳۷۹: ۱۸۲) شاعر طنزپرداز، از این قالب نیز برای سرودن طنز خود بهره می‌برد. غزل‌واره نو زیر که سروده کارمند الشعرا است نمونه‌ای از این نوع قالب محسوب می‌شود و گواه بر این است که شاعران طنزپرداز انقلاب نیز از این قالب استفاده کرده‌اند.

یک کرگدن، یک سیب! / شب، پنجره، انبر، ملاقه، روغن مار / من می‌روم شعری بگویم پشت انبار / یک کرگدن، یک سیب، یک آلو بخارا / یک هندوانه،... (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۸۸-۱۸۷)

۲-۱-۴- مستزاد

گونه‌ای از شعر است که «در آخر هر مصرعی از رباعی یا غزل و قطعه و امثال آن، جمله‌ای کوتاه و مسجع بیفزایند که در معنی با آن مصراع مربوط باشد و به نوعی معنی آن را کامل‌تر-سازد؛ اما از وزن اصلی شعر خارج و زائد باشد؛ به همین جهت آن را مستزاد نامیده‌اند.» (رستگارفسائی، ۱۳۸۰: ۴۶۷) مستزاد، قالبی خاص در ادبیات فارسی به حساب می‌آید و در شعر طنز جایگاهی ویژه دارد. «مستزاد از مشروطیت به بعد رواج یافت و از آن برای ساختن اشعار ملی و میهنی استفاده کردند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۱۴) این قالب به وسیله شاعران طنزپرداز انقلاب نیز به کار گرفته شده است. مستزاد زیر معضل بزرگ مسکن را گوشزد و نقد می‌کند:

ای دوست درآورده پدر از تو و از من این مشکل مسکن
در مشهد و تهران و اراک و کرج و کن این مشکل مسکن
این مشکل بهروز و عزیز و حسنی هست کی حل شدنی هست؟

(حاجی حسینی، ۱۳۸۵: ۹۰)

نیز گونه زیر با مضمون فرصت‌طلبی که یکی از معضلات اجتماعی را مطرح می‌کند:

ظاهراً مردی شریفه، ولی ذاتاً جلبه یارو فرصت‌طلبه
از ادب دم می‌زنه خیلی، ولی بی‌ادبه یارو فرصت‌طلبه
دری خورده‌ست به تخته که به جایی رسیده به نوایی رسیده... (همان: ۱۱۶)

۲-۱-۵- رباعی مستزاد

رباعی مستزاد، نوعی مستزاد است که با اضافه کردن جمله‌ای کوتاه و مسجع که در معنی با آن مصراع مربوط باشد و به نوعی معنی آن را کامل ترسازد؛ اما از وزن اصلی شعر خارج و زائد باشد. (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۶۷) از جمله قالب‌هایی است که طنزپردازان بعد از انقلاب از آن استفاده کرده‌اند. نمونه‌ای از این نوع رباعی که بی‌توجهی نسبت به مردم را نقد می‌کند:

«ای آنکه به فکر چاپ آثار خودی هی یعنی که به فکر بستن بار خودی هی
یکبار به فکر کار مردم هم باش هی!! ای آنکه همیشه در پی کار خودی هی»
(فیض، ۱۳۹۱: ۱۹۷)

همچنین نمونه شعری دیگر، سروده رسول یونان که عشق‌های زودگذر را به نقد می‌کشانند:

گه گشتگه جمیله بوده است ای دوست گه پستوی شنبلیله بوده است ای دوست
گه خانه لیلا و گهی هم شیرین روزی دل من طویله بوده است ای دوست
(مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۶۱)

۲-۱-۶- رباعی مزید (سه بیتی)

این قالب در گذشته هم استفاده می‌شده است؛ به گونه‌ای که «در آثار برخی از صوفیه خصوصاً عین‌القضات همدانی اشعاری به وزن رباعی دیده می‌شود که سه‌بیتی هستند. از مختصات این گونه شعر، تمام مطلع بودن آن است.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۲۶) از این نوع قالب در آثار برخی از شاعران طنزپرداز انقلاب نیز دیده می‌شود.

از حاشیه بی‌نیاز شد مطلب‌مان از حاشیه بی‌نیاز شد مطلب‌مان
با اینکه حقیقتاً به جز این هم نیست آمیخته با مجاز شد مطلب‌مان
من مطمئنم که او خوشش می‌آید هر چند کمی دراز شد مطلب‌مان
(فیض، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

۲-۱-۷- قالب آشفته

چنانچه از نامش پیداست آشفتگی و بی‌نظمی بر آن حاکم است و برای طنزپرداز، شکل و هیأت شعر چندان مهم نیست؛ به همین جهت، هرگونه شکست و عدول ممکن است، انجام بدهد. طنزپرداز در این قالب ابیات پراکنده‌ای را زیر یک قالب پدیدمی‌آورد که نه از نظر وزن و نه از نظر قافیه و ردیف، هیچ‌گونه همگونی ندارند، خود ابیات نیز گاه قافیه‌ای دارند و اغلب به صورت «فرد» ارائه شده‌اند. (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۳۹۵)

نمونه‌ای از این نوع قالب سروده سید علی میرافضلی:

بین من و تو درّه فراوان است و یک پل درست و حسابی کو؟
روزی که وصال ما ورق می‌خورد فردایش این کتاب پایان یافت!
گاه می‌گریزم از خودم یاد تو ولم نمی‌کند!...

(همان)

۲-۱-۸- نو گل آقایی

در مخالفت با شعر نو به وجود آمد و پس از جای‌گیر شدن آن، نقیضه‌های طنز برای آن ساخته شد. عده‌ای هم با این قالب به طنز پرداختند. در ادبیات شوخ‌طبعی و خوش‌خویی بعد از انقلاب، جریانی به نام «شعر نو گل آقایی» روی نمود که به چندین مجموعه رسید. مبنا و اساس این گونه اشعار، بیشتر نقیضه و نظیره بوده که از طعن و تعریض بر اصل آثار خالی نبودند. (همان: ۳۹۶-۳۹۵) از جمله قالب‌هایی است که به وسیله شاعران طنزپرداز انقلاب مورد استفاده قرار گرفته است.

نمونه‌ای از این نوع قالب که نقیضه‌ای است بر شعر «پوستینی کهنه دارم من ...» از اخوان ثالث: عمه‌ای صدساله دارم من / شوهرش پنجاه سالی پیش از این مرده است / بعضی از بدخواه مردم نیز می‌گویند: او ز دست کارهای عمه‌ام / بیچاره سم خورده / ... (همان: ۳۹۶)

۲-۱-۹- طنز نیمایی

قالب نیمایی از جمله قالب‌هایی است که طنزپردازان انقلاب در آن طنزهایی سروده‌اند. نمونه‌ای از طنز نیمایی که عمران صلاحی اوضاع دهشتناک جنگ را نقد می‌کند:

گل سرخ، روی چمن لخته‌شد/ و خون، چتر فواره را باز کرد/ زنی داشت در باجه‌ای زرد با
یک نفر حرف می‌زد که/ پرواز کرد/ و خون صدا از رگ پاره سیم/ برخاک ریخت/ در آن
انفجار... (صلاحی، ۱۳۸۲: ۱۲۰)

نیز در گونه زیر، شاعر طنزپرداز با طنزی نیمایی چنین می‌سراید:

آب را گل نکنیم/ چون به اندازه کافی/ گل و املاح دارد/ در فرودست شاید/ مادری می-
شوید/ پای فرزندش را/ اندکی پایین تر/ نرسیده به سر کوچه بعدی... (زارعی، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴)
همچنین سیامک ظریفی در طنز نیمایی خود گرانی، کم بودن درآمدها و معضلات مربوط
به آن را نقد می‌کند:

دیده‌ها مشک آلود/ سینه‌ها کشک آلود/ ماهی کوچک جیم دیگر/ پولکی برتن پردردش
نیست/ شکم غمناکم/ می‌زند سخت صدا... (مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۸۱-۱۷۹)

۲-۱-۱۰- شعر فرانو و کوتاه سروده‌ها

از قالب‌های شعری جدید که به وسیله شاعران طنزپرداز انقلاب نیز به کار گرفته شده، شعر
فرانو و کوتاه سروده‌هاست.

۲-۱-۱۰-۱- شعر فرانو

از جمله قالب‌هایی است که بعد از انقلاب بنا به نیاز زمانه شاعر متولد شده‌است. اکبر اکسیر
در این زمینه می‌گوید: شعر فرانو شعاریست، نیاز زمانه است در دهکده کوچک جهانی شعر.
شعر ترتیب‌شکن، شعر آداب برباد ده هست. شعری فراتر از زمان است و شاید بی‌زمان؛ فراتر از
نو، معاصر فردا. (اکسیر، ۱۳۹۰: ۹۶) همچنین شعر فرانو در انحصار قواعد پیش‌ساخته نیست و
حاصل ذهن سیال است و اصولاً کارش شکستن اصول مشترک تحمیلی است. یک شورش است

علیه انحصار، الگو، امریه و بخشنامه در شعر معاصر. شعر کوتاه‌است بی‌قید و وزن اما اگر ناخودآگاه دارای هارمونی و وزن باشد ایرادی ندارد... (همان: ۱۰۵-۱۰۴) اکسیر، نام فرانو را برای آن برگزیده‌است. در مجموعه‌هایی به نام «بفرمایید بنشینید صندلی عزیز!» و «ملخ‌های حاصلخیز» شعرهای طنز خود را در این قالب به‌چاپ‌رسانده‌است. این قالب جدید نیز به وسیله شاعران طنزپرداز انقلاب برای سرودن طنز به‌کار گرفته شده‌است.

شعر طنز «کافی‌نت» تأثیر منفی اینترنت را بر خانواده نقد می‌کند:

«رایانه تا رسید / مادر به اینترنت پیوست / پدر به رحمت ایزدی... / و شام ما / در بشقاب پشت بام خانه کپک‌زد / میل‌داستی به آدرس من ایمیل‌بزن: !www.w.c» (همان: ۹) یا «دپرسیون» طنزی‌است که مشکلات درمانی و پزشکی را نقد می‌کند:

«داروخانه شبانه‌روزی / با آن همه قرص خواب / خوابش نمی‌برد / قفسه‌ها سرشار از دردهای تاریخ گذشته‌است / خوابگردها صف کشیده‌اند / من اما کابوس‌هایم را نسخه کرده‌ام /...» (اکسیر، ۱۳۹۲ الف: ۱۲)

نیز در کتاب‌های «مالاریا» و «پسته لال سکوت دندان‌شکن‌است» شعرهای فرانوی زیادی سروده‌اند که در برخی از آن‌ها با زبان طنز به بیان مشکلات جامعه می‌پردازد.

۲-۱-۱۰-۲- کوتاه‌سروده‌ها

بخشی از شعر فرانو که نماینده آن اکسیر است، کوتاه‌سروده‌هاست که در آثار این طنزپرداز زیاد دیده می‌شود. استفاده از این قالب در طنز انقلاب، از نکته‌های قابل توجه‌است. طنزپردازان دیگری چون صلاحی، حسینی و... نیز اشعار و طنزهایی در این قالب دارند. فیض در طنز زیر، افراد ریاکار را به‌شدت نقد می‌کند:

«گفتند: خدایا! / ما را با شهیدان محشور کن! / و مشهور شدند!» (فیض، ۱۳۹۲ ب: ۱۳۰)

یا اینکه در کوتاه‌سروده زیر با لحنی اعتراض‌آمیز نسبت به کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی سروده شده‌است:

«من بعضی وقت‌ها در خیابان/ دنبال یک سر سوزن غیرت می‌گردم.» (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۹)

همچنین در کوتاه‌سروده دیگر، وضعیت بعد از جنگ و فراموشی شهدا را به چالش می‌کشد و نقد می‌کند: «بیا به فکر تمدن باشیم/ وقتی تابوت شهید نمی‌آید!» (همان: ۵۰)

بخشی از کوتاه‌سروده‌ها، ترانک‌هایی است که به نقد از معضلات اجتماعی می‌پردازد. ترانک‌ها از جمله سروده‌های غلامرضا کافی محسوب می‌شود که با زبانی تند و تیز و البته طنزانه، سیاست‌بازان، ریاکاران، مدعیان دین و دیانت و... را به شدت نقد و به گونه‌ای رسوا می‌کند: «عکس شهدا را بغل کرده‌ایم/ عکس شهدا عمل کرده‌ایم!» (کافی، وبلاگ tamat، ترانک‌ها را دوست دارم)

یا چنین سروده‌اند: «اگر آقا بیاید/ زمین خورده‌ها را برخواهد داشت/ زمین خواران را هم برخواهد داشت» (همان) نمونه‌هایی از این نوع فراوانند که سیاستمداران، بداخلاقان اجتماعی و... را نقد می‌کند. «آنک‌ها» نیز جزئی از کوتاه‌سروده‌هاست که در لابه‌لای آن سروده‌هایی دیده می‌شود که به انتقاد از برخی از معضلات موجود در جامعه می‌پردازد. افسر فاضلی شهر بابکی «آنک‌هایی» را سروده‌است که در بین آن‌ها طنزهای نقادانه‌ای دیده می‌شود. به طور مثال در آنک زیر با عنوان رشوه، عمل غیراخلاقی رشوه‌خواری را به صورت طنز نقد می‌کند:

«همه گزینیه‌ها/ زیر میزست!» (فاضلی شهر بابکی، ۱۳۹۳: ۴۲) همچنین در گونه دیگر که فقر را با زبان طنز تلخ به نقد می‌کشاند: «شرم/ رژ گونه بینوایان» (همان: ۵۹)

با توجه به نمونه‌های بیان‌شده از شاعران طنزپرداز انقلاب می‌توان چنین بیان کرد که به دلیل وقت کم و تنگی مجال بر خلاف سال‌های اولیه انقلاب، شاعران طنزپرداز مطابق با سلیقه خوانندگان امروزی به جای سرودن طنز در قالب‌های بلند و طولانی به کوتاه‌سروده‌ها روی آورده‌اند.

۲-۲- زبان

زبان، دستگاهی از نشانه‌ها یا رمزها است و ابزاری برای ارتباط آدمیان با یکدیگر و نیز

شناخت خود و جهان به‌شمارمی‌آید. در هر جامعه‌ای بر اساس مسائل و تقسیمات جغرافیایی، آب و خاک، زبان نیز تنوع و دگرگونی می‌پذیرد و گویش‌ها و لهجه‌ها از این رهگذر پدید می‌آیند. کانون جغرافیای هر کشور، زبان رسمی و رایج را در آن مشخص می‌کند. برگزیدن زبان به وسیله طنزپرداز در انتقال پیام مؤثر است. طنز از جمله موضوعاتی است که زبان خشک و رسمی را برنمی‌تابد؛ بلکه طنزپرداز باید هدف و پیام خود را با زبانی نرم و لطیف بیان کند و منتقل‌سازد تا میزان تأثیرگذاری‌اش را بر خواننده بالا ببرد. (شهادی: ۱۳۸۴، ۶۰-۵۹) در واقع زبان ابزاری است در دست شاعر طنزپرداز برای ابراز احساسات و نمایاندن درون خود. در ادامه به دو نوع زبان به کارگیری شده به وسیله شاعر طنزپرداز انقلاب اشاره می‌گردد.

۲-۱-۲- زبان محاوره و ترانه‌گون

از عصر مشروطه به بعد، این طریقه بسیار متداول‌گشت و با مضمون طنز نیز همخوانی عجیبی داشت. سید اشرف‌الدین گیلانی و عمران صلاحی دو نماینده این جریان در عصر مشروطه و عهد پهلوی به حساب می‌آیند. با ترویج ترانه‌سرایی و شکل‌گیری قالب ترانه، لحن محاوره رویکرد روزافزونی یافت. همراهی طنز انقلاب با این قالب نیز عجیب نیست. چهره اول این شیوه «ابوالفضل زرویی نصرآباد» است. (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۳۹۸) اغلب طنزپردازان جوان انقلاب به این شیوه طنزسرایی کرده‌اند. از جمله: خلیل جوادی، ناصر فیض، سعید نوری و... گونه‌ای از زرویی با عنوان «لبتون جز به خنده، باز نشه» که به زبان محاوره معضلات اجتماعی را بیان می‌کند:

... یک سلام و درود طولانی	به تو در هر کجای ایرانی
حالت کسب و کار معلومه؟	حال خانوم و بچه‌ات خوبه؟
مام شکر خدا، ملالی نیست	مشکلی باشه هم خیالی نیست...

(زرویی نصرآباد، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۱)

همچنین در نمونه دیگر که شاعر با زبان محاوره و ترانه‌گون معضلات فرهنگی جامعه را

چنین طنزانه می‌سراید:

یکی خراب ریشه	یکی خراب دیشه
تو این همه خرابی	تکلیفمون چی میشه
یکی به جای دستاش	پینه رو پیشونیشه

(جوادی، ۱۳۹۲: ۸۸-۸۹)

نیز در طنز محاوره‌ای دیگری مشکلات اخلاقی رایج در جامعه را به طنز بیان می‌کند:

آدمکا صب تا غروب	میون هم وول می‌خورن
بعضیاشون گول می‌زنن	بعضیاشون گول می‌خورن...
اون وریا حرص می‌خورن	این وریا تلوتلو...و...

(جوادی، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۵)

۲-۲-۲- گویش‌های محلی

فرهنگ دهخدا گویش را اسم مصدر از گفتن و به معنی تکلم کردن و سخن گفتن آورده- است. در ایران، متناسب با اقوام مختلفی که حضور دارند گویش‌ها و لهجه‌های گوناگونی وجود دارد که شاعران و طنزپردازان از این بستر بهره‌برده و اهداف و افکار خود را با گویش مخصوص خود بیان می‌کنند که این با عمل، علاوه بر بازی زبانی با گویش‌ها به نوعی فراوانی آنها را در زبان فارسی و پراکندگی طنزپردازان را به‌رخ می‌کشاند. طنزپردازان انقلاب برای سرودن طنز خود از گویش‌های محلی نیز استفاده کرده‌اند. شعر طنز زیر سروده‌ی بیابانکی به لهجه‌ی اصفهانی است:

جایی شکرش باقی‌اس هنوز که افتخاری هس
محسنی نامجو کی‌اس وختی که سبزواری هس...
(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۹۰-۹۱)

نیز طنز زیر به لهجه‌ی مشهدی به‌وسیله قاسم رفیعا سروده شده‌است:

موره می‌بینی که شرّ و با صفایم؟ بچّه محله امام رضایم
زلزله‌یُم، حادثه‌یُم، بلاّیُم بچّه محله امام رضایم...
(مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۷)

همچنین خلیل جوادی به لهجه ترکی طنز زیر را سروده است:
گوزومده غم واریدی باغلا دیم کی گورمیه لر
یاغیش یا قاندا بیر آز آغلا دیم کی گورمیه لر...
(جوادی، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

۲-۳- نقیضه یا پارودی

نقیضه، تکنیکی برای ساخت شوخ‌طبعی است. نوعی تقلید و مقابله با آثار مشهور جدی است که به گونه هجو، هزل یا طنز ساخته شود. در اصطلاح تقلید تمسخرآمیز از کلمات، سبک، نگرش، لحن و عقاید نویسنده‌ای یا شیوه‌ای خاص در نوشتن است و شاخه‌ای از طنز محسوب می‌شود. نقیضه‌ساز به جای موضوعات جدی و سنگین ادبی در اثر اصلی، مطالبی کاملاً مغایر و کم‌اهمیت می‌گنجاند تا در نهایت اثر اصلی را به نحوی تمسخرآمیز جواب گفته باشد. نقیضه-پردازی معمولاً به قصد انتقاد از اثر اصلی و تمسخر آن یا استهزاء صاحب اثر نوشته می‌شود. هدف آن، تمسخر و تحقیر اثر اصلی است. (موسوی، ۱۳۸۸: ۳۳) نقیضه در طنز انقلاب جایگاه ویژه‌ای دارد و تقسیماتی در آن قابل‌ردیابی است. کافی آن را به «نقیضه تضمین، استقبال، پیوندی، نقیضه شعر نو گل‌آقایی و نقیضه کتاب و منظومه‌ها» تقسیم کرده است. (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۴۰۰)

۲-۳-۱- نقیضه تضمین

یکی از انواع نقیضه که در آن «استفاده از قافیه و ردیف مشترک و تضمین ابیات به طور متناوب» است. (همان) نمونه‌ای از نقیضه تضمین که شاعر از ابیات حافظ تضمین کرده است:
به آب روشن می، عارفی طهارت کرد و رفته‌رفته به این کار زشت، عادت کرد

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر لیلی آمد دم در، گفت: «بیا، برق آمد»...
(مهدی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۰۱)

نیز بخشی از «مثنوی دانشجویی» عباس احمدی که نقیضه تضمین از شعر مثنوی مولوی است که در آن مشکلات و معضلاتی که قشر دانشجو با آن روبرو هستند با زبان طنز و به صورت تلخند بیان می‌کند:

... بشنو از من چون حکایت می‌کنم درد دانشجو روایت می‌کنم
در هوایی سرد شعری گفته‌ام بشنوید از درد شعری گفته‌ام...
(آدینه‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰)

۲-۳-۲- نقیضه استقبال

پیش‌پا افتاده‌ترین نوع نقیضه، استقبال از اشعار جدی بزرگان ادب فارسی چون حافظ، سعدی، مولانا و... است. استقبال از یک شعر یعنی به‌کاربردن وزن، ریتم، قافیه و ردیف [شاعران پیشین] می‌تواند قالبی بسازد که شاعر برداشت خود را در آن بریزد. (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹)

نمونه‌ای از این نوع نقیضه که عباس خوش‌عمل در انتقاد نسبت به بریدن بی‌رویه درختان و جایگزین کردن بساز و بفروش به جای درختان، طنزانه و به استقبال از شعر «به دست خود درختی می‌نشانم/ به پایش جوی آبی می‌کشانم» سروده است، آورده می‌شود:

به دست خود درختی می‌شکانم به جایش تیر آهن می‌نشانم
فراز تیر آهن سنگ و سیمان به رسم یادگاری می‌فشانم
پس از چندی که کمتر از دو ماه است فراز تیر چند تا تکیه گاه است...
(خوش‌عمل، ۱۳۷۳: ۱۲۵)

نیز در نمونه زیر شاعر با استقبال از شعر نو «آب را گل نکنید» سهراب سپهری که در آن به معضل کمبود آب پرداخته است:

آب را وانکنید/ شاید این آب ضعیف/ می‌رود داخل حمامی/ تا فروشوید شامپوی سری/ چشم من می‌سوزد/ صورتم صابونی‌ست/ زیر دوشم الان/ آب را وانکنید... (جوادی، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۲)

۲-۳-۳- نقیضه پیوندی

نوع دیگر از نقیضه که «حاصل پیوند یک مصراع مشهور با یک مصراع از شاعر طنزپرداز است.» را نقیضه پیوندی گویند. (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۴۰۱) شعر تغزلی زیر، نقیضه‌ای بر شعر «شبی گیسو فروهشته به دامن» منوچهری که گل آقا آن را به‌نظم کشیده و مشکلات موجود در قسمت برق و وزارت نیرو را به طعن و طنز گرفته‌است:

«شبی گیسو فروهشته به دامن» عجب برقی مهیا کرده، بیژن!

چراغ خانه چون زلف منیژه دو چشم من بدو چون چشم بیژن!

(صابری فومنی، ۱۳۶۹ الف: ۳۱۲)

همچنین نمونه‌هایی از دیگر شاعران طنزپردازان چون اکبر اکسیر:

از مدرسه که آمدم/ به دست خود درختی می‌نشانم/ مشق‌هایم را که نوشتم/ به پایش جوی آبی می‌کشانم/ کلی صبر می‌کنم/ تا بزرگ‌شود/ آن‌قدر بزرگ/ که بتوانم خود را از آن بیاویزم! (اکسیر، ۱۳۹۲ ب: ۳۵)

۲-۳-۴- نقیضه شعر نو گل آقایی

نوعی دیگر از نقیضه که به سبک شعر نو گل آقا سروده می‌شود. طنزپردازان انقلاب به این شیوه نیز نقیضه‌هایی سروده‌اند. سیامک ظریفی نقیضه زیر را از شعر معروف «کوچه» از فریدون مشیری (بی‌تو مهتاب شبی باز از آن کوچه...) سروده‌است که معضلات مربوط به بخش نیرو از جمله برق را به نقد می‌کشانند:

همه تن چشم شدم، خیره به دنبال تو گشتم

چاله آمد سراسر راهم

(سلیمانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۸۸)

بی‌تو ای برق شبی باز از آن کوچه گذشتم

بند رخسار تو دررفت ز تنبان نگاهم

همچنین گونه زیر با عنوان «بازار وعده» از علیرضا انورخواه نقیضه‌ای بر شعر فریدون مشیری است که مشکلات حوزه مسکن را به زبان طنز بیان می‌کند:

بی تو افسرده، شبی باز از آن حوزه گذشتم همه تن چشم شدم، خیره به دنبال تو گشتم
کوله‌باری همه انباشته از وعده زیبا هست بر گرده این بنده مسکین...
(صابری، ۱۳۷۴: ۱۴)

۲-۳-۵- نقیضه کتاب و منظومه‌ها

منظور نقیضه‌هایی است که بر کتاب‌ها و مجموعه‌های معروف گذشته نوشته می‌شود. کتاب «با کاروان حوله» از شرح‌های طنزگونه شعر است که به وسیله امید مهدی‌نژاد نوشته شده است و نقیضه‌ای بر «با کاروان حله» است. نمونه زیر از کتاب «با کاروان حوله»:

وقتی زمین ناز تو را در آسمان‌ها می کشید وقتی عطش طعم تو را با اشک‌هایم می چشید
مفردات و ترکیبات:

زمین: کره‌ای خاکی که در مداری بیضی‌شکل به گرد خورشید می‌گردد.

ناز: عشوه، افه، مامانی، تودل‌برو.

عطش: تشنگی، حالتی که در اثر کمبود مایعات بدن حاصل می‌شود...

معنای بیت: وقتی زمین در آسمان‌ها بود و در آنجا ناز تو را می کشید و زمانی که عطش به

همراه اشک‌های من مزه تو را هم تست می‌کرد... (مهدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۶)

نیز «سن‌ایچ‌نامه» شهرام شکبیا که در نقیضه منظومه‌هایی به نام «ساقی‌نامه» که در ادبیات گذشته ساخته شده است، این گونه شروع می‌شود:

الهی به آنان که جاهل شدند	از این راه انسان کامل شدند
همان مردمان گله مخملی	همان مردم چاکرم داش علی...
چو دانیم پایان کار است هیچ	بیا تا بنوشیم چندی سن‌ایچ
سن‌ایچی به‌منده که حال آورد	نجابت فزاید، کمال آورد...

(حلقه رندان ۱، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۱۹)

کتاب «مخزن الاشرار» عباس احمدی از شاعران طنزپرداز انقلاب که نقیضه‌ای بر «مخزن الاسرار» نظامی گنجوی است از این دست می‌باشد. در شعر طنز زیر مشکلات بخش حمل و نقل در حوزه مترو را نقد می‌کند.

تنت به متروی تهران نیازمند مباد وجود مُردنی‌ات خسته از گزند مباد
به ترمزی تو و لو روی ده نفر بشوی اگر که دست تو بر میله‌هاش بند مباد
به کوپه‌هاش روان صد گدا و دستفروش که در خیابان این قدر مستمند مباد...
(احمدی، ۱۳۹۴: ۳۷)

نیز شاعر طنزپرداز در «مخزن الاشرار» با زبانی قابل که مورد توجه اکثر مردم به ویژه جوانان مسائل و مشکلات مختلف کشور را اعم از اجتماعی و مسائل سیاسی روز را به نقد می‌کشد.

۲-۴- نظیره

«طنزهای شبیه‌سازی شده در ادبیات ما بیشتر از نوع نظیره‌نویسی یا شبیه‌نویسی است و قصد در آن نه مسخره کردن آثار کهن و نو، بلکه استفاده از شهرت این آثار برای خنداندن خواننده است.» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۶۹) «ویژگی اصلی نظیره، عدم هماهنگی و تناسب بین موضوع و سبک است. همین ناهماهنگی موجب می‌شود تا این نوع نوشته‌ها جنبه‌های طنز را به خود بگیرد.» (همان: ۲۲۶) نظیره تفاوت‌هایی با نقیضه دارد؛ از جمله اینکه «در نقیضه صرفاً از یک اثر ادبی مشخص تقلید طنزآمیز می‌شود و سایه اثر اصلی همواره وجود دارد. اما در نظیره، حوزه تقلید و تمسخر وسیع‌تر است و چه بسا طرز فکری خاص یا سنتی ادبی را دربرگیرد.» (همان)

شعر زیر نظیره‌ایست از جواد که هم‌وزن و به نظیره از شعر «اهل کاشانم» سهراب سپهری سروده است و در آن به زبان طنز معضلات موجود در جامعه از جمله فقر و بی‌پولی، مشکلات فرهنگی حوزه کتاب، مشکلات شاعران و... را بیان کرده است:

اهل زنجانم / پیشه‌ام طنازی است / گاه‌گاهی الکی، شعر کی می‌گویم / می‌فرستم همه جا... /

روزگارم خوش یست / مادری دارم، ناخوش احوال و مریض... (جوادی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۴)
نظیره طنزآمیز شعر وحشی بافقی با مصرع «الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز»، سروده اسدالله
شهریاری که معضلات بخش اجاره‌نشینی را به نقد می‌کشاند:

الهی خانه‌ای ده بد پک و پوز که مثل شب بود تاریک در روز
در و دیوار و سقفش کنده باشد ولی مال خود این بنده باشد...
ز صاحب‌خانه‌ها منت کشیدن بود چون روی عزرائیل دیدن
اجاره گر که ده روزی شود دیر خورد بر قلب آن‌ها واقعا تیر...
(سلیمان‌پور ارومی، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

۲-۵- حکایت منظوم طنز

طنز از قدیم در نظم و نثر فارسی رایج بوده و بیشتر در قالب حکایت عرضه شده است. طنزها معمولاً در پایان به نتیجه می‌رسند و خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌خندانند و برخی هم از همان ابتدا کار خود را شروع می‌کنند. امروز نیز گاهی اوقات طنزپردازان انقلاب مشکلات و معضلات موجود در جامعه را به صورت حکایت منظوم بیان می‌کنند. این نوع ساخت طنز را می‌توان از ساخت‌های شگردی به حساب آورد که شاعر طنزپرداز انقلاب آن را در قالب‌هایی چون قطعه، مثنوی، قصیده و... سروده و مطرح می‌کند. در قطعه بلند زیر با عنوان «خر خران» حسن شعبانی نسبت به انسان و مجامع بین‌المللی اعتراض و انتقاد شدید دارد:

روزی خری ز صاحب خود شکوه کرد و گفت: آخر من فلک‌زده کافر که نیست
در گوشه و کنار بر غیر و آشنا نام آور و ادیب و سخنور که نیستم
با این بیان الکن خود از چه گویمت؟ دشنام‌ها که می‌دهی‌ام، کر که نیستم
با مجریان طرح حقوق بشر بگو آری خرم، مثال بشر شر که نیستم
در مجمع طویل‌ه‌نشینان تک سمی اسباب ننگ دامن مادر که نیستم
(مهدی‌نژاد، ۱۳۹۱ الف: ۳۵۹-۳۵۷)

نیز در گونه زیر با عنوان «مرگ در چاه» این بار همان ساخت در قالب مثنوی، دلبستگی به دنیا به

صورت حکایت منظوم نقل شده است:

شنیدستم که چاهی بود در راه	یکی می‌زد قدم در پرتو ماه
نبود از بودن آن چاه آگاه	به چاه افتاد آن بیچاره ناگاه
به سان آنکه در دریا غریق است	به هر شیء که بیند می‌برد دست
به هر خوار و خسی انداخت چنگ	سر یک رشته بیرون بود از سنگ...

(منصوری، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳)

و یا اینکه سعید بیابانکی نیز حکایت منظوم زیر را در قالب مثنوی سروده است:

... نام بنده غلام می‌باشد	خدمتم هم تمام می‌باشد
رشته‌ام هست کارگردانی	ولسی از منظر مسلمانی
چند سالی است در بلاد فرنگ	طی یک ارتباط تنگاتنگ
با اجانب شبانه محشورم	چه کنم؟ از بلاد خود دورم
دشمنم با سکانس‌های لجن	مرگ بر سینمای مستهجن

(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۳۳-۲۵)

شاعران طنزپردازی چون سعید نوری، سعید بیابانکی و... نیز برای سرودن طنزهای خود از این ساخت بهره‌برده‌اند. این ساخت از آن جهت مورد توجه شاعر طنزپرداز انقلاب است که دردها، مشکلات و معضلات موجود در جامعه را به شکل حکایت، به گونه‌ای که خواننده دچار ملال نشود، بیان و مطرح می‌کند و میزان تأثیرگذاری طنز خود را بالامی‌برد.

۲-۶- طرفه کاری

منظور، شیوه‌های ابداعی و فانتزی در طنز و بازی‌های شوخ‌طبعانه و واژه‌سازی مطایبه‌آمیز ادبی است که بیشتر بنیان ژورنالیستی و سطحی دارند؛ اما نوعی ذوق و لطف در آن‌ها مشاهده می‌شود. این طرفه کاری‌ها در قالب‌های رسمی نظیر شعر و نثر کمتر شکل می‌گیرد؛ ولیکن چون اغلب کار شاعران است، ذیل ساخت شعر طنز آمده است. (کافی، ۱۳۹۳ الف: ۴۰۵) نمونه‌ای از

طرفه کاری، سروده اکبر اکسیر که برای هر کدام از واژه‌ها معانی زیبا، ادیبانه و در عین حال طنزانه آورده است. این را هم باید اضافه کرد که طنزپرداز برای ارائه طرفه کاری خود بیشتر از سروده‌های کوتاه و کم حجم بهره می‌برد.

مسئولین محترم انجمن شاعران مرده
لطفاً برای کشتگان معشوق، بنیاد شهید
برای مجروحین ناوک مژگان، بنیاد جانبازان
برای اسیران کمند زلف، بنیاد آزادگان...
(اکسیر، ۱۳۹۰: ۵۵)

طرفه کاری ظریف زیر، سروده اکسیر از کتاب «زنبورهای عسل...»:
آدم بازنشسته، نویسنده می‌شود / نویسنده بازنشسته، منتقد / منتقد بازنشسته، فیلسوف / فیلسوف
بازنشسته، دیوانه / دیوانه بازنشسته، شاعر / ... (اکسیر، ۱۳۹۲: ۶۸)
نیز گونه‌هایی از دیگر طنزپردازان چون:
ماند آب، یعنی آب خسته / مرداب را، خدا بیامرزاد / تالاب، قد بلند است... (مهر، ۱۳۹۱: ۳۹)
همچنین معنی دموکراسی را با طرفه کاری و طنز چنین بیان می‌کند:
دم و ک را س ی: «عبارتی است جنوبی: د؟ مو؟ که را سی تو؟ نه کا، ای کار از مو بر نمی‌آ!
(همان: ۹۸)

۲-۷- بازی‌های زبانی

بازی‌های زبانی علاوه بر اینکه موجب زیبایی و آرایش کلام می‌شود؛ طنزپرداز انقلاب از آن برای ایجاد طنز عبارت و کلامی استفاده می‌کند.

۲-۷-۱- پلی فونیک

پلی فونیک در اصطلاح رایج و ساده به معنای شعر چندآوایی و یا چندزبانه است و مدعای آن این است که در این گونه شعری آواهای مختلف که در درون شاعر مخفی هستند یا اصولاً

سرکوب شده‌اند مجال بروز می‌یابند، در این جا اثر با اقتدار یک آوا و یا دانای مطلق سرستیز - دارد. گاهی نیز پلی فونیک این گونه تجلی می‌کند که متن مخاطب‌های مختلفی را می‌تواند مورد خطاب قرار دهد به عبارتی ما آوای خوانش مخاطب‌ها را می‌شنویم. (سروش‌راد، ۱۳۹۰: -) شعری از اکسیر که در آن از تکنیک چند صدایی استفاده کرده‌است:

دامن کوتاه / شلوار بلند / روسری‌ها حیران / آدمک‌ها ساکت... / HAMASH, MADE IN TEHRAN / (اکسیر، ۱۳۹۰: ۷۹)

نیز شعر طنز زیر به دو زبان فارسی و عربی سروده شده‌است و صنعت پلی فونیک به کار رفته - است و نوعی شعر ملمع است:

«الفهد» اهـل بـاد و «ال	ورمین» سال‌ها کرده ظلم و «الستین»
داده هی مال مسلمین بر باد	که ندارد حساب و الـرقمین!
عریان لاغر و کمثل خیار!	اوز ثـروت رقیب الـکلمین...
	(صابری، ۱۳۶۹: ۶)

۲-۷-۲- قلب

نوعی دیگر از بازی‌های زبانی و از توابع جناس است و بعضی آن را جناس قلب شمرده‌اند. در لغت به معنی واژگونه کردن است که اگر در تمام حروف واقع شده باشد قلب کل می‌نامند. گاهی صنعت قلب در جمله نیز اتفاق می‌افتد. (همایی، ۱۳۷۷: ۶۶-۶۴) طنزپرداز از این صنعت برای ایجاد طنز عبارت (کلامی) استفاده می‌کند. در شعر زیر از صنعت قلب استفاده شده و جملات دارای قلب هستند. در شواهد زیر مشاهده می‌شود که صنعت قلب در عملکرد شخصیت‌ها صورت گرفته‌است و به جای اینکه مادر، کودک را شیر دهد، برعکس شده‌است؛ همچنین پدر بزرگ و مادر بزرگ را به کودکستان می‌برد.

... به کودکی می‌اندیشم که قرار است هر روز صبح / مادرش را شیر بدهد / کهنه پدرش را

عوض کند/ مادر بزرگ و پدر بزرگش را/ به کودکستان برساند! (اکسیر، ۱۳۹۱: ۷۸)
همچنین علیرضا لبش، از صنعت جناس قلب بهره برده است به گونه‌ای که بین «قلب» و «قبل»
جناس قلب بعض وجود دارد.

کاش قلبم تمبری بود/ تا با آن/ نامه‌ای پست می کردم/ به نشانی قبلی ات/... (لبش، ۱۳۹۱: ۳۵)
نیز در گونه‌ی زیر نوعی قلب در حوزه عبارت صورت گرفته است:

گل‌ها آپارتمان را سبزمی کنند/ آپارتمان، گل‌ها را زرد/ گل‌های چینی اما، زرد نمی شوند
عجب!!... (اکسیر، ۱۳۹۲: ۳۲)

۳- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش بدین شرح می‌باشد: شاعران طنزپرداز انقلاب برای انعکاس
معضلات، مشکلات، ضعف‌ها و نقص‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... موجود در جامعه،
از ساخت‌های مختلفی بهره برده‌اند. کاربست قالب‌های جدید، شکل‌ها و حتی بدعت کاری در
ساخت‌های رایج ادبی از ویژگی‌های شعر طنز انقلاب محسوب می‌شود. با تحلیل آثاری
برگزیده از شاعران طنزپرداز انقلاب، کاربست ساخت‌های تازه در شعر طنز انقلاب بررسی و
مشخص شد آن‌هم ساخت‌های خاص که کمتر بدان‌ها توجه شده و در ساخت شعر طنز انقلاب
توجه‌انگیزند. تولید این همه اثر طنز در شعر انقلاب اسلامی که در هیأت طنز سیاسی، اجتماعی
و البته طنز زبان‌گرا قابل فرامودند، ساخت‌های بدیع و تازه‌ای در این کارها قابل ردیابی،
دسته‌بندی و بازساخت پدید آمده است. طنزپردازان از ساخت‌ها بدیع و تازه‌ای چون قالب‌های
فراغزل، آشفته، فرانو، کوتاه سروده‌ها، ترانک، آنک، گویش‌های محلی، زبان محاوره و ترانه-
گون، طرفه کاری، انواع نقیضه‌ها، نظیره، بازی‌های زبانی چون پلی فونیک، قلب و... برای
سرودن طنز خود بهره برده‌اند. شاعران طنزپرداز انقلاب، با توجه به کمبود وقت، تنگی مجال و
بنا به سلیقه خوانندگان امروزی به سرودن اشعار کوتاه و کوتاه سروده‌ها روی آورده‌اند و در
واقع بیشترین مطلب را با کوتاه‌ترین اشعار بیان می‌کنند. با بررسی کاربست ساخت‌های نو شعر

طنز انقلاب که درحقیقت یکی از عمده‌ترین بسترهای طنز انقلاب است تشریح می‌شود. نیز باید گفت: شعر طنز انقلاب از نظر ساخت همپا با حرکت و پیشرفت رو به جلوی انقلاب و در کنار ساحت و محتوایی غنی، در حال رشد و تکامل است و زنده و پویا نفس می‌کشد.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- آدینه‌زاده، حسن. (۱۳۹۱). **یک بغل طنز کمی آسایش**. چاپ اول. مشهد: سخن‌گستر.
- ۲- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۷). **از صبا تا نیم‌ماج ۲**. چاپ چهارم. تهران: زوار.
- ۳- احمدی، عباس (۱۳۹۴). **مخزن الاشرار**. تهران: سوره مهر.
- ۴- اکسیر، اکبر. (۱۳۹۰). **بفرمایید بنشینید صندلی عزیز**. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
- ۵- اکسیر، اکبر. (۱۳۹۱). **پسته لال سکوت دندان‌شکن است**. چاپ ششم. تهران: مروارید.
- ۶- اکسیر، اکبر. (۱۳۹۲ الف). **ملخ‌های حاصلخیز**. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
- ۷- --، --، -- (۱۳۹۲ ب). **زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند**. چاپ نهم. تهران: ابتکار نو.
- ۸- بیابانکی، سعید. (۱۳۹۱). **هی شعر تر انگیزد**. تهران: سپیده باوران.
- ۹- بیابانکی، سعید. (۱۳۹۳). **سکته ملیح**. تهران: شهرستان ادب.
- ۱۰- حاجی حسینی، محمد. (۱۳۸۵). **بهارستان طنز**. تهران: طرح آینده.
- ۱۱- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). **بحر طویل‌های هدهد میرزا**. تهران: کتابخانه سنایی.
- ۱۲- خوش‌عمل، عباس. (۱۳۷۳). **پا تنوری**. تهران: اطلاعات.
- ۱۳- جوادی، حسن. (۱۳۸۴). **تاریخ طنز در ادبیات فارسی**. تهران: کاروان.
- ۱۴- جوادی، خلیل. (۱۳۹۲). **بهشت بی‌امکانات**. تهران: مؤلف.
- ۱۵- جوادی، خلیل. (۱۳۹۳). **خیابان خواب‌ها**. چاپ چهارم. تهران: مؤلف.
- ۱۶- داد، سیما. (۱۳۸۳). **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- ۱۷- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). **انواع شعر فارسی**. چاپ دوم. شیراز: نوید.

- ۱۸- روزبه، محمدرضا. (۱۳۷۹). **سیر تحول غزل فارسی**. تهران: روزبه.
- ۱۹- زارعی، ناصر. (۱۳۸۹). **شوخی‌های طبیعی‌ها و طنزها**. تهران: عقیل.
- ۲۰- زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۰). **اصل مطلب**. چاپ سوم. تهران: همشهری.
- ۲۱- سلیمان‌پور ارومی، سعید. (۱۳۹۲). **خنده‌های فالش**. تهران: سوره مهر.
- ۲۲- سلیمانی، محسن. (۱۳۹۱). **اسرار و ابزار طنزنویسی**. تهران: سوره مهر.
- ۲۳- سلیمانی، آزاده، باقرشاهی، زهرا و همکاران. (۱۳۸۷). **معجزه شعر طنز**. تهران: ثالث.
- ۲۴- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). **انواع ادبی**. تهران: میترا.
- ۲۵- صابری فومنی، کیومرث. (۱۳۶۹ الف). **گزیده دو کلمه حرف حساب**. تهران: سروش.
- ۲۶- صابری فومنی، کیومرث. (۱۳۶۹ ب). **سالنامه گل آقا**. ایران چاپ.
- ۲۷- صابری فومنی، کیومرث. (۱۳۷۴). **سالنامه گل آقا**. سال ۶، شماره ۳۸.
- ۲۸- صدر، رویا. (۱۳۸۱). **بیست سال با طنز**. چاپ اول. تهران: هرمس.
- ۲۹- صلاحی، عمران. (۱۳۸۲). **گزینه اشعار طنز آمیز**. تهران: مروارید.
- ۳۰- فاضلی شهربابکی، افسر. (۱۳۹۳). **آنگ‌ها**. تهران: فصل پنجم.
- ۳۱- فیض، ناصر. (۱۳۹۱). **نزدیک ته خیار**. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
- ۳۲- فیض، ناصر. (۱۳۹۲ الف). **املت دسته‌دار**. چاپ ششم. تهران: سوره مهر.
- ۳۳- --، --. (۱۳۹۲ ب). **فیض بوک**. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- ۳۴- قزوه، علی‌رضا. (۱۳۸۷). **از نخلستان تا خیابان**. چاپ دوازدهم. تهران: سوره مهر.
- ۳۵- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات انقلاب اسلامی**. تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۳۶- کافی، غلامرضا. (۱۳۹۳ الف). **پژوهشنامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس** ج ۲. چاپ اول. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۳۷- لبش، علی‌رضا. (۱۳۹۱). **خنده در مراسم تدفین**. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- ۳۸- منصوری، بهنام. (۱۳۹۱). **قهوه تلخ با شهد لبخند**. تهران: بهار سبز.

- ۳۹- موسوی، سید عبدالجواد. (۱۳۸۵). **کتاب طنز ۳**. تهران: سوره مهر.
- ۴۰- موسوی، سید عبدالجواد. (۱۳۸۸). **کتاب طنز ۵**. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
- ۴۱- مهدی‌نژاد، امید. (۱۳۹۱). **قهوه قند پهلوی**. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
- ۴۲- مهدی‌نژاد، امید. (۱۳۹۲). **یک بغل کاکتوس**. چاپ چهارم. مشهد: سپیده‌باوران.
- ۴۳- مهدی‌نژاد، امید. (۱۳۹۳). **جنجور بنجور**. چاپ اول. مشهد: سپیده‌باوران.
- ۴۴- مهر، هانا. (۱۳۹۱). **ادویه برای گوشت‌های تلخ**. تهران: مروارید.
- ۴۵- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۷). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. چاپ پانزدهم. تهران: هما.

- ۴۶- در حلقه رندان ۱. (۱۳۸۸). **دفتر حوزه هنری**. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.

ب. مقاله‌ها

- ۴۷- حقیقت، مریم. (۱۳۹۰). «تبیین پسا غزل». مجله ادبی وازنا. ۲۶ مهر.
- ۴۸- سروش راد، سعید. (۱۳۹۰). «پلی فونی در شعر». مجله ادبی وازنا. ۲۶ مهر.
- ۴۹- شهدادی، احمد. (۱۳۸۴). «زبان معیار: تعریف و نشانه». پژوهش و حوزه. شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۵۸-۸۱.
- ۵۰- طاهری، قدرت‌الله. (۱۳۸۷). «نگاهی به جریان‌های شعری فعال در عصر انقلاب اسلامی». کتاب ماه ادبیات. شماره ۲۲، صص ۴۱-۲۸.
- ۵۱- کافی، غلامرضا (۱۳۹۳). «موسیقی کناری در فراغزل». مجله شعر. شماره ۷۲، صص ۱۴۵-۱۲۸.

ج. پایان‌نامه‌ها

- ۵۲- طاهری، معصومه. (۱۳۹۳). جایگاه طنز در شعر انقلاب اسلامی ایران. به راهنمایی دکتر غلامرضا کافی. دانشگاه شیراز.
- ۵۳- یوسفی، عبدالحمید. (۱۳۹۰). بررسی محتوا و شگردهای طنز کیومرث صابری. به راهنمایی دکتر محمدجواد مهدوی. دانشگاه فردوسی مشهد.

د. منابع اینترنتی

www.tamat.blogsky.com